

تعامل اجتماعی پیامبر ﷺ با زنان در مدینه

رؤیا باقری *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۲

چکیده

رسول خدا ﷺ در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت و نیز با اقشار گوناگون، تعاملاتی متناسب با شرایط داشته است. در دوران اقامت در مدینه، کنش‌های آن حضرت ﷺ به صورت خاص و از ابعاد گوناگون قابل بررسی و الگوبرداری است. یکی از این ابعاد، تعامل پیامبر ﷺ به عنوان حاکم و رهبری جامعه با زنان، به عنوان قشری از جامعه است. این مقاله، درصدد پاسخ به این پرسش است که «رسول خدا ﷺ چه نوع تعامل‌هایی با زنان در مدینه داشته است؟» تا با تحلیل این تعاملات، اصول حاکم بر آنها را به دست آورد. اطلاعات مورد نیاز این اثر از اسناد و گزارش‌های تاریخی گردآوری شده و ضمن استفاده از شیوه‌های تحلیل تاریخی از رویکردهای جامعه‌شناختی نیز استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که پیامبر ﷺ در تعاملات خود با زنان به دنبال توجه دادن مسلمانان به حقوق، جایگاه و ارزش‌های انسانی و تثبیت مقام و جایگاه زنان بود. زنان نیز در تعاملات خود با پیامبر ﷺ، به دنبال آگاهی و به دست آوردن حقوقی بودند که در جامعه جاهلی نادیده انگاشته شده و اسلام بر آن تأکید داشت. اصول حاکم بر این تعاملات عبارتند از: اصل قرارگرفتن خانواده و

* دانشجوی دکتری تاریخ اهل بیت ع، جامعه الزهرا، taherebaqeri@gmail.com



رعایت قوانین حاکم بر آن، تمرکز زنان بر خانه‌داری و تربیت نسل سالم، فراهم نمودن شرایط حضور زنان در جامعه، ازبین بردن زمینه‌های سوء اخلاقی، تأکید بر رعایت حریم میان زنان و مردان و ممنوعیت اختلاط و توجه به تأثیر زمان و مکان در این تعاملات نقش به سزایی دارد.

کلیدواژه‌ها: تعامل اجتماعی، پیامبر ﷺ، زنان مدینه، حضور اجتماعی.

مقدمه

پیامبرگرامی اسلام از آن جهت که وی «اسوه حسنه» بودند کنش‌هایش، الگویی مناسب در عرصه‌های گوناگون است. تعامل آن حضرت با زنان، از مهم‌ترین موضوعات تاریخی و اجتماعی است که تحلیل آنها ضروری به نظر می‌رسد. این بررسی از چند جهت حائز اهمیت است: عدم رعایت حقوق زنان در آن برهه از زمان و تفاوت تعامل حضرت با آنان، رعایت اعتدال و پرهیز از افراط و تفریط در زمینه حضور اجتماعی و فعالیت‌های زنان توسط پیامبر صلی الله علیه و آله، توجه به کنش‌های متفاوت زنان و مردان، اهمیت دادن به نقش اصلی زنان، یعنی تحکیم بنیان خانواده در تعاملات رسول خدا صلی الله علیه و آله با آنان.

پراکندگی و کاستی در گزارش‌های تاریخی مربوط به حضور اجتماعی زنان در مدینه موجب می‌شود که جمع‌آوری، تنظیم و تحلیل این گزارش‌ها، علاوه بر سختی، از اهمیت خاصی برخوردار باشد. در این مقاله سعی شده رخدادهای مورد نظر در سطوح خرد، میانه و کلان توصیف و تحلیل شده و کنش‌های موجود در آن تفسیر و تبیین گردد. از آنجا که حضور اجتماعی زنان دامنه وسیعی را در بر دارد، در این مقاله به برخی از آنان پرداخته شده است و جلوه‌های دیگر آن مجال دیگری می‌طلبد. تلاش شده تا با تحلیل گزارش‌های حضور اجتماعی زنان در مدینه و چگونگی تعاملات پیامبر صلی الله علیه و آله با آنان، اصول حاکم بر این تعاملات استخراج و تبیین گردد. در برخی موارد، به تأثیر تعاملات اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله و زنان مدینه بر سایر نهادهای اجتماعی نیز اشاره شده است. همچنین از انجایی که حکومت اسلامی در شهر مدینه بنیان نهاده شد و بنیادهای اساسی کنش‌های مسلمانان در مدینه شکل گرفت، محدوده این تحقیق «مدینه النبی» قرار داده شد. لازم به



یادآوری است زنانی که از اقوام و خویشاوندان نسبی رسول خدا ﷺ بودند، از موضوع بحث این مقاله خارج است. سؤال اصلی این مقاله، تعامل پیامبر ﷺ با حضور اجتماعی زنان در مدینه چگونه بوده است؟

چارچوب مفاهیم

۱. تعامل اجتماعی (social interaction) عملی است دوسویه میان کنشگران که در سطح خرد یا کلان انجام گیرد؛ بدین معنا که عملی از سوی یکی از کنشگران نسبت به دیگران صورت می‌گیرد و او نیز متقابلاً در صدد پاسخ به آن عمل بری‌آید (ساروخانی ص ۳۶۶-۳۶۵).

۲. اقشار اجتماعی؛ جمعی از اعضای جامعه یا یک اجتماع است که از منابع کمیاب اجتماعی (مانند ثروت، قدرت، احترام و...) به صورت تقریباً برابر و مشابه بهره‌مند می‌شوند. مانند زنان یا تحصیل کرده‌ها و... (ترنر، ۱۳۷۸ ص ۲۲۰-۲۱۹).

۳. بستر اجتماعی؛ شرایط اجتماعی موجود در جامعه که تأثیرات زیادی بر وقایع اجتماعی در سطح خرد، میانه و کلان دارد. به گونه‌ای که با تغییر آن زمینه‌ها، احتمال تغییر در آن وقایع پیش می‌آید. زمینه‌های اجتماعی به نوعی خود را تحمیل می‌کنند و گریزی از آنها نیست (همان، ۸۵-۹۰).

پیامبر ﷺ و حضور اجتماعی زنان

پیامبر ﷺ در نخستین سال‌های حضور در مدینه، بنیادهای اساسی رفتار اجتماعی را شکل داد. زنان مدینه در اولین لحظات ورود پیامبر ﷺ به مدینه، با

حضور در مراسم استقبال از رسول خدا ﷺ ضمن شرکت در نخستین اجتماع مدنی باتدبیر و زیرکی، نقش اجتماعی خود را در پیشبرد نهضت اسلامی تثبیت کردند؛ چرا که بنا به نقلی یکی از زنان مدینه توانست منزل خویش را به عنوان محل اقامت پیامبر ﷺ و نخستین پایگاه اسلام در مدینه قرار دهد (طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۵۵).

مرور گزارش‌های تاریخی نشانگر آن است که در عصر پیامبر اکرم ﷺ، زنان حضور قابل توجهی در جامعه داشته‌اند. پیامبر ﷺ از یک سوزمینه‌ها و عرصه‌های حضور را برای آنان فراهم می‌کرد. از سوی دیگر، شرایط این حضور را برای زنان تبیین می‌نمود. تا بدین وسیله از هرگونه سوء برداشت و سوء استفاده پیشگیری کند و جامعه بتواند از حضور اجتماعی زنان در زمینه‌های مختلف بهره‌بردار و همچنین خود آنان و جامعه از آسیب‌های عدم رعایت شرایط حضور در امان بمانند.

حضور و تعامل زنان در عرصه‌های اجتماعی

ام عطیه، نسیم بنت کعب (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۵۴؛ ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۴۳۷)، از بزرگان صحابه پیامبر ﷺ بود (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۵۴) که در عرصه‌های مختلف فعالیت داشت. وی از جمله راویان حدیث است که احادیث مهمی را در باب، غسل میت، نهی از حضور زنان در تشییع جنازه، نهی از نیاچه، جواز شرکت زنان در نماز عید و بسیاری از مسائل مبتلا به زنان، روایت کرده است (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۵۰ و ۳۱۸؛ ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۴۳۷). انس بن مالک، محمد بن سیرین و حفصه بن سیرین از او روایت نقل کرده‌اند (بن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۹۴۷). در گزارش‌های تاریخی نیز



نام او زیاد دیده می‌شود. بنا به نقل حفصه بن سیرین، /م عطیه هرگاه نام و ذکر پیامبر ﷺ می‌شد، می‌گفت: «پدرم فدای او باد»، ظاهراً انجام مراسم غسل اموات بر عهده او بود (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۵۴). پیامبر ﷺ در رابطه با نحوه غسل دادن به او آموزش‌هایی داد (محقق حلی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۶۵). حدیث /م عطیه در باب غسل، در میان صحابه و تابعین به عنوان اصل قرار گرفت (بن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ۱۹۴۷). /م عطیه برای انجام حجامت از رسول خدا ﷺ اجازه گرفت و حضرت به او اجازه داد و فرمود: اگر برادر رضاعی تو باشد یا پسری که به سن بلوغ نرسیده، اشکالی ندارد (ابن حزم، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۳).

بررسی اخباری که در ارتباط با /م عطیه وجود دارد، گویای این است که /م عطیه از زنانی بوده که حضور اجتماعی پررنگی داشته است و پیامبر ﷺ فعالیت‌های او را تأیید کرده است. برخی گزارش‌ها در این رابطه نمایانگر آن است که حضرت در مورد برخی مراسم، حضور زنان را منع کرده است. /م عطیه می‌گوید: پیامبر ﷺ ما را از حضور در مراسم تشییع جنازه نهی کرد. اما بر این منع تأکید نکرد (محقق بحرانی، بی‌تا، ج ۴، ص ۸۵)؛ یعنی بدان شکل که در رابطه با برخی امور بر انجام ندادن آنها تأکید می‌کرد، بر این نهی تأکیدی نفرمود. از آنجا که در این زمان جامعه اسلامی در حال گذر از افکار و عقاید دوران جاهلی و نفی خصوصیات آن بود، پیامبر ﷺ سعی داشت به صورت تدریجی افکار و رفتارهای مربوط به آن دوران را از بین ببرد. شرکت در مراسم تشییع جنازه، شاید به خودی خود ایرادی نداشته باشد، اما کراهت آن از باب بی‌صبری، ناشکری و به زبان آوردن جملات ناشایست و فریاد و واویلا سردادن و حتی پاره کردن گریبان و در یک جمله نوحه‌سرایی به باطل بود که در روایات بر

نهی آن بسیار تأکید شده است (المجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹، ص ۹۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۴۰) و این کار شایسته زنان مسلمان نبود. از جهت روان‌شناسی نیز شرکت زنان در این مراسم موجب آسیب روحی آنان می‌شد. به طوری که آن نشاط و شادابی که زن در محیط خانواده و در تعامل با همسر و فرزندان خود، به آن نیاز دارد، از بین می‌رفت. پیامبر ﷺ در تعامل خود با زنان به این نکته توجه داشت. اگر توجه به گزارش دیگری که در رابطه با تشویق زنان به شرکت در نماز عید است، توجه کنیم، تحلیل ارائه شده بیشتر تقویت شود. پیامبر ﷺ از /م عطیه خواست زنان را برای شرکت در مراسم نماز عید حاضر کند. حتی هنگامی که /م عطیه پرسید: آیا زنان حائض هم بیایند؟ فرمود: آری. سپس به فایده حضور آنان نیز اشاره کرده، فرمودند: هم از این حضور بهره‌مند شده و هم دعوت مسلمانان را اجابت کرده‌اند (احمد، بی‌تا، ج ۵، ص ۸۵؛ محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۳۱۸؛ علامه حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۳).

با تحلیل این دو فایده و تأثیر آن در نحوه تعامل با دیگر نهادهای اجتماعی، بهتر می‌توان به کارکردهای این نحوه از تعامل پیامبر ﷺ با زنان دست یافت:

- آگاهی بخشی نسبت به آموزه‌های دینی و اخلاقی: در خطبه‌های این نماز به تقوا، اخلاق و دیگر آموزه‌های دینی، اشاره می‌شد. حضور زنان موجب می‌شد تا آنان نسبت به مسائل دینی خود اطلاعات لازم را کسب کرده و با یادگیری آنها در راه خودسازی و تهذیب نفس گام بردارند. همچنین حضور مکرر زنان در مساجد و نماز جمعه به آنان این فرصت را می‌داد تا قرآن را آموخته و حفظ کنند. به طوری که عُمَره دختر عبد الرحمن می‌گوید: من سوره قاف را از رسول خدا ﷺ در روز جمعه فراگرفتم؛ زیرا حضرت هر جمعه بر منبر آن را قرائت می‌کرد. عین همین سخن از



هند دختر اسید بن حضیر نیز نقل شده است (بن عبدالبر، بی تا، ج ۴، ص ۱۹۲۰؛ ابن حجر، بی تا، ج ۴، ص ۵۷۸).

- آگاهی بخشی نسبت به مسائل اجتماعی جامعه مسلمانان و جهت گیری نسبت به آینده: زنان با حضور در این مراسم، گزارشی از وضعیت جامعه اسلامی به دست می آورند. در خطبه این نماز، پیامبر صلی الله علیه و آله اهداف آینده و چشم انداز حرکت اسلامی مسلمانان را ترسیم می کرد. زنان با آگاهی از این اهداف، بهتر می توانستند در آینده نقش و جایگاه خود را به عنوان فردی از جامعه ایفا کنند. زنان برای انجام مسئولیت ها در آینده به این آگاهی ها نیاز داشتند.

- از آنجا که این اطلاع رسانی مستقیم و از سوی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله بود، زنان شرکت کننده تحت تأثیر شایعات دشمن خصوصاً یهودیان و شبیهاتی که ایجاد می کردند، قرار نگرفته و حتی موضع گیری کرده و در مقام دفاع از ارزش های دینی خود برمی آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به این مطلب، بسیار حساس بودند که مسلمانان تحت تأثیر شایعات دشمن قرار نگیرند. تشویق نسل جوان به حضور در مراسم دینی، از دغدغه هایی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت. به همین دلیل، از/م عطیه خواست زنان و دختران را تشویق به حضور در این مراسم کند.

- زنان با این حضور، اجتماع مسلمانان و عظمت آنها را دیده، به وجد آمده احساس قدرت کرده و خود را حقیر و بی ارزش نمی دیدند؛ زیرا احساس می کردند عضوی از این اجتماع بزرگ هستند و در سرنوشت جامعه مشارکت دارند و با امید و انگیزه بیشتری به جامعه اسلامی خود خدمت می کردند.



تأثیر فایده دیگر حضور زنان در نماز عید را که پیامبر ﷺ فرمود: دعوت مسلمانان را نیز اجابت می‌کنند، می‌توان در موارد زیر دنبال کرد:

- نشان دادن میزان همبستگی میان مسلمانان و در نتیجه، افزایش قدرت آنان است؛ زیرا همبستگی اجتماعی بالا، نشانگر قدرت مسلمانان است و موجب ایجاد رعب و وحشت در دل دشمنان اسلام می‌شود.

- نمایش التزام به هنجارهای دینی و پایبندی مسلمانان به امور و مراسم مذهبی از دیگر آثار این حضور است.

- این نحوه تعامل پیامبر ﷺ با زنان، به معنی تثبیت حضور اجتماعی زنان در طول تاریخ بود؛ زیرا پیامبر ﷺ به دنبال زنان فرستاده و تشویق به حضور کرده بود و حتی خواسته بود زنان حائض نیز شرکت کنند. این موضع حضرت، نشان داد که دعوت به شرکت، فقط از باب انجام یک فریضه و عمل عبادی نبوده است.

- تعامل پیامبر ﷺ با/م عطیه در زمینه‌های مختلف علمی، اجتماعی و دینی بوده است. به طوری که در زمینه مسائل مهم فقهی خاص زنان، به حضرت مراجعه و پاسخ را از ایشان شنیده و برای زنان بیان می‌کرد. این بدان معنی است که پیامبر ﷺ تأکید ویژه‌ای داشت که زنان در زمینه مسائل خاص خودشان صاحب نظر شده و به کار گرفته شوند. تا حریم‌ها رعایت شده و ارتباط میان زن و مرد به حداقل برسد.

- جایگاه/م عطیه در جامعه، به طوری که محل رجوع بوده و حتی بعد از رفتن به بصره، برخی از صحابه و تابعین به حضورش رسیده و در زمینه غسل از او آموزش می‌بینند. پیامبر ﷺ کار/م عطیه را در رابطه با غسل تأیید کرد و در این زمینه به او آموزش‌هایی داد.



- پیامبر ﷺ در نظام تقسیم کار اجتماعی، هر کس را باتوجه به توانایی‌ها در جای خاصی قرار می‌داد و در دادن مسئولیت به افراد، به منزلت و جایگاه افراد توجه داشت. قطعاً حضرت در امور اجتماعی از زنان معمولی و عوام توقع بالایی نداشت، بلکه بسترها را به گونه‌ای فراهم می‌کرد تا کسانی که در آنها زمینه رشد و قابلیت‌هایی دیده می‌شد، بتوانند بهره‌برده و جامعه نیز از ظرفیت‌های آنان استفاده نماید.

باید توجه داشت که در تعامل میان پیامبر ﷺ و زنان در زمینه مسائل علمی و آموزشی، که ارتباط تنگاتنگی با روابط اجتماعی دارد، هیچ‌گاه منعی در کار نبود و در خلال مباحثی که گذشت، این مطلب به تصویر کشیده شد. حتی زمانی که پیامبر ﷺ با درخواست گروهی از زنان روبرو شد که ای رسول خدا ﷺ، مردان را بر ما غلبه دادی روزی را به ما اختصاص بده تا مستقیماً از محضر شما استفاده کنیم، پذیرفت (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۴؛ احمد، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۴؛ ابن طاووس، ۱۳۹۹، ص ۲۱۹). علاوه بر این، حضرت هنگام سخنرانی در مسجد توجه خاصی برای رساندن پیامش به زنان داشت. به طوری که بنا به نقل ابن عباس در روز عید فطر، پس از پایان سخنان حضرت در مورد زکات فطره، از آنجا که احتمال می‌داد شاید زنان سخنان ایشان را نشنیده باشند، به سمت زنان آمد و دوباره سخنانش را برای زنان تکرار کرد و آنها را به دادن صدقه تشویق کرد. سپس بلال پیراهن خود را پهن کرد تا زنان صدقاتشان را در آن قرار دهند (احمد، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۶؛ ابن قدامه، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۴۴). اهتمام پیامبر ﷺ در رابطه با آموزش زنان و انگیزه قوی برخی از آنها برای یادگیری به خوبی در این تعاملات نمایان است.

اشتغال و استقلال مالی زنان

گزارش‌های تاریخی بیانگر آن است که در عصر پیامبر ﷺ، زنان در عرصه اجتماعی حضور داشته و عهده‌دار مشاغل و حرفه‌های بسیاری بودند و بخش عمده‌ای از نیروی کار و تولید را عهده‌دار بودند. تلاش اقتصادی زنان و به تبع آن، مالکیت آنان بر کسب و کارشان از جمله اموری بود که پیامبر ﷺ در تعامل خود با زنان آن را مورد تأیید قرار می‌داد. ربطه همسر عبد الله بن مسعود، از جمله زنانی بود که به ساخت صنایع دستی مشغول بود و از درآمدش به همسر و فرزندانش انفاق می‌کرد. زمانی که شنید پیامبر ﷺ در سخنرانی خود زنان را مخاطب قرار داده و فرموده: «صدقه دهید هر چند از زیورهایتان باشد.» (احمد، بی تا، ج ۱، ص ۳۷۶؛ شوکانی، ۱۹۷۳، ج ۴، ص ۲۶۴). به حضور پیامبر ﷺ رسید و وضعیت همسرش را که از جهت مالی مشکل داشت بازگو کرده، گفت: «من زنی صنعتگر و همسر و فرزندانم مالی ندارند و دادن هزینه زندگی بر عهده من است و دیگر توان دادن صدقه ندارم. آیا پاداشی برای من است؟ این کمکی که به همسر می‌کنم جای صدقه را می‌گیرد؟» پیامبر ﷺ فرمود: بر آنان انفاق کن. برای این عمل تودو پاداش است: رسیدگی به خویشان و صدقه» (ابن حجر، بی تا، الف، ج ۸، ص ۱۴۸).

از دیگر زنانی که در زمینه کارهای دستی هنرمند بود، زینب بنت جحش بود. او سود حاصل از کار خود را صدقه می‌داد. پیامبر ﷺ عمل او را مورد تأیید قرارداد و فرمود: از میان شما آن زنی زودتر به من ملحق می‌شود که دستش بلندتر است. زنان پیامبر ﷺ متوجه نشدند کدام یک از زنان مورد نظر حضرت است تا زمانی که زینب از دنیا رفت و آن‌ها دانستند به دلیل صدقه بسیاری که می‌داد، پیامبر ﷺ او را چنین معرفی نمود (ابن عبد البر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۵۱). پیامبر ۹ در تعاملاتی که با



زنان داشت، آنان را به دادن صدقه برای حمایت از مستمندان فرامی خواند. به طوری که از/بن عباس نقل شده که عید فطر، همراه رسول خدا ﷺ بودیم. بعد از نماز بلال لباس خود را پهن کرد و زنان زیور و النگوهای خود را در لباس او ریختند (احمد، بی تا، ج ۳، ص ۳۶؛ ابن قدامه، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۴). حواء مادر بزرگ عمرو بن معاذ از پیامبر ﷺ نقل کرد که حضرت فرمودند: سائل را از در خانه خود ناامید نرانید (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۵؛ ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۴۶۰). البته تأکید بسیاری بر پنهانی بودن صدقه داشت، به طوری که نام دختر/م سلمه «بزه» را تغییر داد و او را زینب نامید و از نام گذاری به این اسم نهی کرده، فرمود: «لَا تَزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّهُ أَغْلَمُ بِأَهْلِ الْبَيْتِ مِنْكُمْ» (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۴۶۱)؛ زیرا این نام بار معنایی خاصی داشت و موجب می شد شخص دچار غرور شود. همچنین فاصله اجتماعی میان کسانی که با او برخوردی داشتند، ایجاد می شد. احتمال داشت به خاطر این نام و عنوان جایگاه و منزلت خاصی پیدا کند و مردم در تعامل با او، دچار مشکل شوند. حضرت نمی خواست فرد با تلقین اینکه انسان نیکوکار و خوبی است، دچار خودبزرگ بینی شده و دیگر به دنبال تزکیه و تهدیب خود نباشد. مردم نیز به دلیل نامش او را احترام کنند.

از دیگر صنایع رایج در آن زمان، نخ ریزی و پارچه بافی بود. ظاهراً زنان بسیاری بدین کار مشغول بودند. به طوری که بیشتر اوقات در مسجد اجتماع کرده، بعد از نماز به این کار مشغول می شدند. بنا به نقل های تاریخی، در دوران پیامبر ﷺ و خلافت/بوکر و عمر نیز این کار ادامه داشت. اما عمر آنها را تهدید کرد که بلاخره شما را به خانه هایتان باز می گردانم و آنها را از مسجد



بیرون کرد (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۲۳۰). نکاتی که در تعامل پیامبر ﷺ با این زنان قابل توجه است اینکه،

- تأیید استقلال مالی و اشتغال زنان؛ زیرا لازمه دادن صدقه تسلط بر اموال است.

- تحکیم بنیان خانواده و روابط خویشاوندی، به طوری که اگر ریطه حاضریه انفاق و کمک به همسرش نمی شد و این کار برای او اجرو پاداشی نمی داشت، ممکن بود دیگر کمک به خانواده اش را کنار بگذارد. این مسئله در زندگی مشترک آنان تأثیر بدی می گذاشت و یا اگر هم مانند قبل حاضریه پرداخت هزینه زندگی می شد، همیشه حسرت اینکه چرا نمی تواند از این سنت و کار حسنه محروم بماند، ناراحت بود، حتی امکان منت گذاری نیز وجود داشت؛ زیرا ریطه به همسرش گفته بود که به دلیل انفاق بر تو و فرزندان تو ان صدقه را ندارم. عبد الله هم به او گفت: دوست ندارم اگر از این کار اجرو پاداشی نبی، به آن ادامه دهی!

- تساوی زن و مرد در تکلیف، با توجه به اینکه زنان نیز منبع درآمدی داشتند و می توانستند در کمک به دیگران سهیم باشند. به خصوص اینکه پیامبر ﷺ فرمودند: اگر چه این صدقه از زیورهایتان باشد.

- تکافل اجتماعی، حمایت های غیر رسمی از نیازمندان و کاهش بار حاکمیت در حمایت از نیازمندان.

- یادگیری احکام و مسائل مربوط به مشاغل. در تعاملی که زنان شاغل با پیامبر ﷺ داشتند، آنان سعی می کردند قوانین و احکام مربوط به خرید و فروش، یا سؤالات و مشکلات کاری خود را با حضرت مطرح کنند. قیله / ام بنی / انمار، در سفر



عمره پیامبر ﷺ را دید. به حضور ایشان رفت و پرسید: من به کار خرید و فروش مشغول هستم. بسیار اتفاق افتاده که در هنگام خرید جنسی، قیمت را کمتر از آنچه باید بدهم، پرداخت کرده و سپس اندک اندک بر قیمت آن می‌افزایم تا به همان اندازه که بخواهم برسد. گاهی نیز که قصد دارم کالایی را بفروشم، قیمت آن را بالاتر از آنچه باید بدهم می‌گویم، سپس اندک اندک از آن کم می‌کنم تا به قیمتی که بخواهم می‌فروشم. پیامبر ﷺ پاسخ داد: این کار را نکن. وقتی می‌خواهی چیزی بخری، از همان اول قیمتی که می‌خواهی پردازی پیشنهاد کن. چه بپذیرند یا نپذیرند وقتی قرار است چیزی را بفروشی، از همان ابتدا قیمت مورد نظرت را پیشنهاد کن. نه چانه بزن نه قیمت بالاتر از آنچه هست بگو.

زینب عطف‌فروش (حواء)، از دیگر زنان شاغل مدینه بود. وی در منابع به ویژگی‌هایی چون صالحه، عابده، مهاجره و احسن زنان زمان خود، توصیف شده است (میرزا نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۲۴۰). زینب در خانه‌اش عطر ساخته و می‌فروخت (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، پاورقی ص ۴۹۷). روزی هنگامی که نزد همسران پیامبر ﷺ بود، حضرت وارد خانه شد. پیامبر ﷺ با دیدن او فرمود: وقتی به خانه ما می‌آیی، خانه‌های ما خوشبو می‌شود. زینب پاسخ داد: خانه‌های شما با بوی رسول خدا ﷺ، خوشبو تر است. حضرت به زینب تأکید کرد که در خرید و فروش درست عمل کرده و حلال و حرام را رعایت کند. سپس حکمت این کار را نیز برای زینب بازگو نمود. از جمله اینکه رعایت این اصول، انسان را با تقواتر کرده و موجب باقی ماندن مال و سرمایه شخص می‌شود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۵۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۰۹). زینب گفت: ای رسول خدا، من برای فروش عطر به خانه شما نیامدم، بلکه

آمده ام تا در رابطه با عظمت خداوند برابرم بگویند. سپس پیامبر ﷺ از عظمت خداوند و جهان خلقت برخی مطالب را برای او بیان نمود. ر. ک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۵۷؛ طباطبایی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۱). نوع درخواست این زن از پیامبر ﷺ بسیار مهم است؛ زینب زنی عطر فروش نزد حضرت آمده تا در مورد مهم ترین رکن؛ یعنی خداشناسی و سعادت انسان پرسد و در سایه آن، رابطه خود با خدا و دیگرانسان ها را تنظیم کند؛ زیرا عقیده مهم ترین مبنای تنظیم روابط انسان ها است. نحوه مواجهه و تعامل حضرت با زینب؛ اینکه زنی نزد پیامبر ﷺ می آید و حضرت به او آموزش هایی زیربنایی می دهد و بحث های مبنایی و عقیدتی را در قالب مثال های ملموس و محسوس برای او بیان می کند. طبیعی است که زینب مطالبی را که پیامبر ﷺ برایش گفته بود، برای دیگران به خصوص زنان جامعه بازگو می کرد. به همین دلیل، حضرت با توجه به درک و فهم این زن و ضرورت یادگیری، مطالب مورد نیاز را برای او بیان کرد. به طوری که این گزارش در کتب فقهی به نام حدیث «زینب العطاره» معروف است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۵۳-۱۵۵؛ صدوق، بی تا، ص ۲۷۶-۲۷۷؛ حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۳۸۸).

بر اساس گزارش ها، زینب زیاد به خانه پیامبر ﷺ رفت و آمد داشته و برای همسران و دختران حضرت عطر می برده است. ظاهراً روزی میان حواء و همسرش کدورتی پیش می آید. حواء به خانه پیامبر ﷺ رفته و جریان را برای ام سلمه بازگو می کند. وی بسیار از این مسئله ناراحت بوده و به دنبال راه چاره و حل مشکل خود بوده است. هنگامی که پیامبر ﷺ وارد خانه شد، پرسید: آیا شما عطر زده اید؟ ام سلمه گفت: نه ای رسول خدا ﷺ حواء در خانه است و آمده تا در مورد حق



همسرش، از شما بپرسد. سپس حواء ماجرای اختلاف با همسرش را بیان کرد. این گزارش در کتب روایی از قول حواء، به صورت روایت مفصلی بیان شده است. در این روایت طولانی رسول خدا ﷺ حقوقی را که زن و مرد نسبت به یکدیگر دارند، بیان نموده است. از جمله موارد مهمی که حضرت در برخورد با حواء او را بدان‌ها توجه داد و از آنها نهی کرد، عبارتند از:

خروج از خانه بدون اذن همسر، داشتن مهریه سنگین، صدقه بدون اجازه همسر، خشمگین کردن شوهر، درخواست چیزی که فوق توانایی او است، بی‌صبری در سختی‌های زندگی، آشکار کردن زینت برای غیرهمسر... سپس حضرت به پاداش زنانی که این امور را ترک کرده و مجازات زنانی که حقوق همسران را رعایت نکرده‌اند، اشاره کرد. همچنین زمانی که زینب، به حضرت گفت: همه این مطالبی که بیان کردید، در رابطه با حقوق مردان است. پس زنان چه حقوقی دارند؟ پیامبر ﷺ با گفتن این جمله که: جبریل پیوسته به من در مورد زنان سفارش کرد تا جایی که گمان کردم مردان حتی نباید به زنان اف گویند؛ زیرا آنان امانت الهی در دست شمايند، به بیان حقوق زنان پرداختند (النوری ۱۴۰۸، ج ۱۴، ۲۵۲).

آنچه مهم هست اینکه برای زینب مهم بوده که رضایت همسرش را جلب کند و بدین نکته نیز توجه داشته که عدم رضایت همسر، عواقب بدی در دنیا و آخرت خواهد داشت. به همین دلیل، نزد حضرت آمد. تلاش زینب برای به دست آوردن رضایت حتی در صورت مقصر بودن همسرش، ستودنی است. همین که نزد حضرت می‌آید و نگرانی خود را با این جمله که از عذاب خداوند می‌ترسم؛ زیرا همسر من خشمگین است، ابراز می‌کند و از ایشان در مورد



حق شوهر می‌پرسد، گواهی بر این مطلب است. ضمن اینکه قبل از آمدن نزد پیامبر ﷺ برای به دست آوردن رضایت همسرش تلاش بسیاری کرده است.

نکته مهم اینکه تعامل رسول خدا ﷺ با زینب سلبی نبود. حضرت ابتدا در مورد مخالفت با همسر و آثار و عقوبت‌های آن سخن می‌گوید. سپس زینب را به آثار اطاعت از همسر و به دست آوردن رضایت او توجه داد. تأثیری که این نحوه از تعامل در دیگر نهادها از جمله خانواده و جامعه داشت مهم است؛ زیرا استحکام بنای خانواده را به دنبال دارد. زن و مردی که به رعایت حقوق یکدیگر پایبند باشند، اساس خانواده سالمی را بنیان می‌نهند. طبیعی است در چنین محیطی، تنش‌های میان افراد خانواده کاهش یافته، آرامش روحی و روانی زن و مرد، حتی فرزندان را به دنبال خواهد داشت. فرزندی که در چنین محیط خانوادگی رشد یافته و تربیت شوند، در جامعه موفق‌ترند. مرد با خاطری آسوده از خانه خارج می‌شود؛ چون اطمینان و اعتماد کافی به همسرش دارد. پیامبر ﷺ در این تعامل به زنان یاد داد که در زندگی زن‌شویی طرفین باید از برخی خطاهای هم گذشته و آنها را نادیده بگیرند.

در میان زنانی که به مدینه هجرت کردند، زنی به نام /م حبیب بود که از پزشکی اطلاعاتی داشت و کارهای مربوط به ختنه بچه‌ها را انجام می‌داد. هنگامی که رسول خدا ﷺ او را دید، در مورد وضعیت کارش و اینکه آیا هنوز بدان مشغول است، پرسید. /م حبیب پاسخ داد: آری مگر اینکه شما مرا از این کار نهی کنید. حضرت فرمود: نه این کار حلال است. سپس از او خواست تا نزدیک‌تر آید تا مطلب خاصی را در رابطه با حرفه‌اش به او یاد دهد. /م حبیب خواهری به نام /م عطیه داشت که به کار آرایشگری مشغول بود. آنچه را پیامبر ﷺ به او آموخته بود،



برای خواهرش بازگو کرد. ام عطیه نزد پیامبر ﷺ رفت و در مورد سخنان خواهرش به حضرت گفت. پیامبر ﷺ علاوه بر آنچه که برای ام حبیب بیان کرده بود، به او نیز تذکر مهمی در مورد شغلش داد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۱۱۸؛ علامه حلی، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۸۵-۱۸۶).

ام رعله، که از نظر شیوایی و فصاحت کلام پیامبر ﷺ را شگفت زده کرده بود، از دیگر زنانی بود که در رابطه با شغلش دچار شبهه شد و به حضور حضرت رسید و گفت: من زنی آرایشگرم که زنان را برای همسران شان آرایش می کنم، آیا این کار درست است؟ پیامبر ﷺ فرمود: این کار را انجام بده و زنان را برای همسران شان آرایش کن؛ خصوصاً هنگامی که مورد بی توجهی آنها قرار می گیرند. سپس، ام رعله از پیامبر ﷺ خواست تا مطالبی به او یاد دهد که موجب نزدیکی به خداوند شود و حضرت دستور العمل هایی در این مورد به او داد (ابن اثیر، بی تا، ج ۵، ص ۵۸۲؛ ابن حجر، بی تا، الف، ج ۸، ص ۳۹۰).

شفاء بنت عبد الله معلم خط بود و در پزشکی نیز مهارت داشت. پیامبر ﷺ از او خواست تا روش «رقیه نمله» (ر. ک: ابن منظور، ۱۴۰۵، ب، ج ۱۴، ص ۳۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۹، ص ۶۸-۶۹) را که ظاهراً در درمان بیماری های پوستی مؤثر بود، به حفصه آموزش دهد (احمد، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۲؛ ابن حجر، بی تا، ج ۸، ص ۲۰۱). وی قبلاً نیز به سفارش پیامبر ﷺ به حفصه نوشتن یاد داده بود. شفاء، قبل از مسلمان شدن، برای برخی بیماری ها و دردها دعاها و تعویذهایی می نوشت. روزی مردی از انصار نزد شفاء آمد تا روش «رقیه نمله» را از او فرا گیرد. اما شفاء از دادن آن خوداری کرد و گفت: از زمانی که مسلمان شده ام، از این کار دست کشیده ام. مرد نزد رسول خدا ﷺ



رفت و جریان دیدارش با شفاء را برای ایشان بازگو نمود. پیامبر ﷺ شفاء را احضار کرد و از او خواست تا آن رقیه را به او نشان دهد. سپس شرایط استفاده از آن را برای شفاء بیان کرد و از او خواست تا آنها را رعایت کند (احمد، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۲؛ طبرانی، بی تا، ج ۲۴، ص ۳۱۴ و ۳۱۶).

گزارش‌های فوق، به خوبی بیانگر نحوه تعاملات پیامبر ﷺ و زنان شاغل، همچنین تأثیرات این تعاملات در دیگر نهادها است.

۱. پیامبر ﷺ احکام خاص مربوط به حرفه زنان را به آنان آموزش داد.
۲. گزارش / م عطیه بیانگر جواز آرایشگری و حلال بودن اجرت آن است.
۳. توجه حضرت به اینکه مسایل اختصاصی زنان نباید به صورت علنی و آشکارا بیان شود.

۴. این نحوه تعامل، تاییدی بر فعالیت‌های اجتماعی و اشتغال زنان و داشتن منبع درآمد است.

۵. نکته مهم نگرش پیامبر ﷺ و تأکید ایشان در نظام تقسیم کار اجتماعی بود که مشاغل اختصاصی زنان باید به خود آنان واگذار شود و آنان بتوانند تخصص‌های لازم در این زمینه به دست آورند تا از ارجاع به نامحرم جلوگیری شود.
۶. یادگیری احکام مربوط به این مشاغل و آموزش آن به دیگران به طوری که / م حبیب مطالبی را که از پیامبر ﷺ یاد گرفته بود، برای خواهرش بیان کرد. همچنین پیامبر ﷺ در عین اینکه از شفاء دختر عبد الله خواست تا «تعویذ رقیة النملة» را به حفصه یاد دهد، اما از آنجا که نگران بود مبدا چیزی از اعتقادات جاهلی در آن باشد و از طرفی زنان بیشتر دنبال این امور بودند، ابتدا از او خواست تا این تعویذ را به ایشان نشان دهد و سپس، شرایط استفاده از این امور را به شفاء متذکر شده و



فرمود: باید به زبان عربی باشد تا ترجمه آن را بدانی و از هر آن چه غیر ذکر و نام خداوند و کتاب او است دوری کنی (ابن اثیر، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۴، ص ۳۳۲).

۱. توجه دادن زنان به مسائل مهم و ایجاد حس مسئولیت در آنان و تقویت انگیزه‌های دینی به جای پرداختن به امور لغو و باطل - که معمولاً عوام زنان دچار آن بودند- از دیگر تأثیرات این نحوه از تعاملات پیامبر ﷺ و زنان است.

۲. پایین آمدن سطح توقع زنان از همسران شان و رعایت اعتدال در مسائل مالی، از جمله آثار همین تعاملات در محیط خانوادگی است. غالباً زنانی که شاغل هستند، در خرج کردن بیشتر اهل ملاحظه و مقتصد تر هستند. زن می‌تواند مخارج زندگی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. زن صالحه دارای بصیرت است و نگرش عمیق به امور دنیوی و اخروی دارد. مانند زنی که صنعتگر بود و دلش می‌خواست صدقه هم بدهد.

۳. ارتباط با رسول خدا ﷺ و بهره‌گیری از محضر ایشان

۴. بالا رفتن دیدگاه و نظرات این زنان نسبت به مسائل اجتماعی، به خصوص در زمینه‌های علمی و دینی. به طوری که در آینده هریک از آنها قسمتی از بار فرهنگی و اقتصادی جامعه را به دوش می‌کشید.

توجه بدین نکته نیز مهم است که به طور کلی اشتغال زنان به صنایع دستی، که غالباً از شغل‌های رایج در زمان صدر اسلام بوده است، آثار و نتایج مهمی را برای زنان و خانواده و جامعه آنها به دنبال داشت. از جمله می‌توان به این موارد اشاره نمود:

۱. کسب درآمد برای خانواده و کمک به وضعیت اقتصادی خانواده و



جامعه که پیامبر ﷺ نیز بر آن تأکید فراوان داشت.

۲. پرکردن اوقات فراغت زنان در خانه (بحث عدم مشغول شدن این قبیل زنان به امور لهو و ناشایست و... از آنجا که انجام امور اساسی خانه محدود و مشخص است و با پیشرفت جوامع و انواع وسایل برقی طبیعی است که اوقات فراغت بیش‌تری در خانه برای زنان فراهم می‌گردد. برخی زنان خانه‌دار این زمان آزاد شده را به تنوع، تشریفات و کارهای تفننی اختصاص می‌دهند. اما برخی زنان با احیاء صنایع و کارهای هنری و اختصاص بخشی از اوقات خود به این امور، منبع جدیدی برای تقویت بنیه اقتصادی خانواده به وجود می‌آورند. پیامبر ﷺ فرمود: خوشا به حال کسی که برای خودش کاری فراهم کرده است و مردم از او در آسایش هستند و عمل و کار او در راه طاعت و بندگی خداوند است (لیثی، بی تا، ص ۳۱۴). تأثیری که این نحوه از تعامل در نهاد خانواده داشت، این بود که موجب استحکام نهاد خانواده، که در اسلام دارای ارزش و اعتبار والایی است، شد؛ زیرا زن و مرد در جهت تقویت بنیان‌های آن تلاش کرده و روح رحمت و مودت بر خانواده حاکمیت می‌یابد. همکاری و تلاش زن در پیشبرد امور خانواده و کمک به همسرش در زمینه‌های مالی، یک ارزش تلقی می‌شود؛ به خصوص زمانی که این قبیل امور در خانه انجام شود. به همین دلیل، امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی زن صالحه‌ای که همسر خود را یاری دهد را از جمله چیزهایی دانسته که خداوند مؤمن را در مورد آن بازخواست نمی‌کند (صدوق، بی تا، ص ۸۰). این حمایت در همه زمینه‌ها قابل تصور است. البته توجه به این نکته مهم است که انسان‌ها به دلیل متفاوت بودن استعدادها و توانایی‌ها، در معرض جلوه‌های مختلفی از کسب مواهب طبیعی - اجتماعی قرار می‌گیرند و این اکتسابات با زمینه‌های



درونی انسان در ارتباط است. عامل جنسیت نیز ملاک و معیاری برای ارزیابی میزان این بهره‌گیری‌ها است. از این رو، طبیعی است که زنان باید به دنبال مشاغل و کارهایی باشند که با روحیه و توانایی‌های آنان تناسب دارد. هم چنین تکلیف بیش از حد برای خود فراهم نکند.

۱. خودکفایی این خانواده‌ها که منجر به خودکفایی جامعه می‌شود.

۲. از همه مهم‌تر، تقویت شخصیت زنان از طریق ایجاد اعتماد به نفس و ابقای نقش فعال زن و نمایش تلاش و هنر او در جامعه، همچنین، ارضای خواسته‌های درونی زن به وسیله صنایع دستی و کارهای خانگی، که فوق وظایف اصلی او است.

احقاق حقوق زنان و دختران

احقاق حقوق مالی زنان و دختران از جمله مسائلی بود که پیامبر ﷺ در تعامل خود با زنان بدان توجه بسیار داشت. سعد بن ربیع از شهدای جنگ احد بود. برادر سعد بعد از اطلاع از شهادت برادرش به مدینه آمد و میراث او را تصرف کرد. در آن زمان هنوز مسلمانان بر اساس احکام جاهلیت ارث را تقسیم می‌کردند و می‌گفتند: ارث نمی‌برد مگر کسی که در جنگ شرکت کند و تیرانداز باشد و از قبیله خود دفاع کند و غنیمت به دست آورد (الزلیعی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۸۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۰۴). همسر سعد، زنی دوراندیش بود و چون می‌دید خود و دخترانش از ارث محروم هستند، ناراحت شد. غذایی تهیه کرد و پیامبر ﷺ را دعوت کرد. جابر بن عبد الله می‌گوید: ما ۲۰ مرد بودیم که همراه حضرت به محله اسواف رفتیم و مهمان خانه سعد شدیم. به خدا



سوگند، در خانه او یک فرش بیشتر نبود و بالش و تشکچه نیز نبود. همسر سعد، بعد از غذا جریان را برای حضرت بیان کرد. مدتی بعد از این جریان پیامبر ﷺ برادر سعد و همسر سعد را احضار کرد و براساس احکام ارث اسلامی، برادر سعد را مجبور کرد تا حق همسر و فرزندان سعد را بدهد. همسر سعد آن چنان تکبیر گفت که صدایش را مردمی که در مسجد بودند، شنیدند (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۲۹ - ۳۳۱).

توجه به زنان بی سرپرست

زنانی که از همسران خود بنا به دلایلی جدا شده‌اند، از دیگر اقشار اجتماعی بودند که رسیدگی به آنان، از جمله دغدغه‌های پیامبر ﷺ بود. فاطمه دختر قیس، بعد از اینکه همسرش او را به وسیله وکیلش عیاش بن ابی ربیع، طلاق غیابی داد، از این مسئله بسیار ناراحت شد. به حضور حضرت رسید و از این عمل همسرش، که او را بدون نفقه و محل سکونت رها ساخته است، ابراز ناراحتی کرد. پیامبر ﷺ در تعاملش با وی، حقوق دو طرف را گوشزد کرده و او را متوجه این مسئله نمود که نفقه و حق سکنی بر عهده همسر نیست و چیزی به توتعلق نمی‌گیرد. سپس، به او امر کرد که به خانه ام شریک برود. اما از آنجا که اصحاب حضرت به این خانه رفت و آمد داشتند، از او خواست در خانه ام مکتوم که نابیناست، سکنی گزیده و بعد از سرآمدن عده‌اش، پیامبر ﷺ را باخبر سازد. وی بعد از پایان یافتن عده، نزد حضرت آمد و گفت: معاویه بن ابوسفیان و ابوجهم بن حذیفه و اسامه بن زید، از من خواستگاری کرده‌اند و با ایشان در این مورد مشورت کرد. پیامبر ﷺ فرمود: معاویه مردی عیالوار است که مالی ندارد (مسعودی، بی تا،

ج ۳، ص ۲۹-۳۰). ابوجهم هم هیچ گاه عصایش را از شانه پایین نمی آورد. بهتر است با اسامه بن زید ازدواج کنی (ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۲۷۳-۲۷۴). در این گونه تعاملات، پیامبر ﷺ همیشه به این نکته توجه داشت که هر فردی وصل به یک خانواده باشد. رسیدگی به وضعیت زندگی زنان بی سرپرست از مواردی بود که در سرلوحه برنامه های حضرت وجود داشت. به گونه ای که از فاطمه خواست به محض سرآمدن دوران عده ایشان را با خبر سازد.

رعایت حریم و ایجاد فاصله بین نامحرمان که در برخورد حضرت با زنان بسیار بر آن تأکید می شد. به طوری که رسول خدا ﷺ، فاطمه را از منزل/م شریک بدین دلیل که محل رفت و آمد مردان است، به خانه/م مکتوم که نابینا بود، منتقل کرد و فرمود: خانه او برای تو راحت تر است و می توانی حجاب از خود برداری.

۱. حضرت در عین حال حریم بی خودی میان خود و زنان ایجاد نمی کرد تا آنان بتوانند به راحتی به حضور ایشان رسیده و مشورت کنند یا احیاناً مشکلات خود را به راحتی مطرح نمایند.

۲. توجه به خصوصیات خواستگاران و ملاک های کلی که باید در نظر داشت. پیامبر ﷺ در مورد هریک از خواستگاران فاطمه معایب یا محاسن قابل توجه آنان را بیان کرد، تا او با توجه بدان ها بتواند بهتر تصمیم بگیرد. فقر، بی اعتباری و عیالوار بودن معاویه، از نکاتی بود که باید مورد توجه فاطمه قرار می گرفت. پیامبر ﷺ در تعامل خود با فاطمه، او را متوجه یکی از ملاک هایی که باید در امر ازدواج بدان توجه داشت، کرد. بداخلاقی نیز از دیگر صفات بد



است. گرچه در روایات برای زنی که با اخلاق بد همسرش بسازد، پاداش بسیاری ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۱، ص ۲۸۴). پیامبر ﷺ در تعاملی که با زنان در رابطه با امر ازدواج داشت، ملاک‌ها و دستورالعمل‌های بسیاری را از جمله سنخیت در ایمان، اصالت خانوادگی، اخلاق خوب و... برای تحقق ازدواجی سالم بیان می‌کردند. همان طور که در مقابل، ملاک‌ها و ویژگی‌های زنان خوب را نیز بیان کرده و مردان را از ازدواج با برخی زنان نهی کردند. روزی جویر را که وضع مالی خوبی نداشت، به خانه زیاد بن لبید فرستاد تا دخترش را خواستگاری کند. زیاد نزد حضرت آمد و گفت: ما دختران مان را به هم کفوشان می‌دهیم. پیامبر ﷺ فرمود: جویر مؤمن است و مرد مؤمن کفوزن مؤمنه است. ای زیاد دخترت را به عقد جویر در آور و به این کار بی‌میل نباش (کلینی، ۱۳۶، ج ۵، ص ۳۴۰-۳۴۲؛ علامه حلی، بی تا، ج ۲، ص ۶۰۵). همچنین پیامبر ﷺ فرمود: پرهیزد از گل‌های زیبایی که در لجن‌زارها رویده‌اند. حاضران پرسیدند: منظورتان چیست؟ فرمودند: زن زیبایی که از خاندان بد و پلید به وجود آمده باشد (کلینی، بی تا، ج ۵، ص ۳۳۲). طبیعی است خانواده‌ای که دارای پدر و مادر مهربان، متواضع و بزرگوار است و سالیان متمادی تقوا و درست کاری را شناخته و در زندگانی به کار بسته و به فکر مشکلات زندگی دیگر افراد جامعه بوده است، با خانواده‌ای که اصلاً مفهوم کرامت و شجاعت و عفو را ندانسته و تا به حال با آن آشنا نبوده و تنها به دنبال اهداف مادی و مسائل دنیایی بوده است، کاملاً تفاوت دارد. دخترانی که در چنین خانواده‌ای رشد و تربیت یابند، نخواهند توانست فرزندان شایسته برای دین و دنیای جامعه خود تربیت کنند.



۱. نکته دیگر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله در تعامل خود با فاطمه نسبت به خواستگاران وی تنها نگاه سلبی ندارد، بلکه نگاه ایجابی نیز دارد؛ بدین معنا که به او می‌گوید با معاویه و ابوجهم ازدواج نکن و سپس، با گفتن این جمله که کجا مثل اسامه را می‌توان پیدا کرد، فاطمه را به طرف شایستگی‌های اسامه توجه داد و از او خواست با وی ازدواج کند. ۲. مشورت با پیامبر صلی الله علیه و آله و پذیرش سخن ایشان از دیگر مسائلی است که در این نحوه از تعامل مورد نظر است. فاطمه برای امر ازدواجش به سراغ بهترین شخص می‌رود و در نهایت، تسلیم نظر حضرت می‌شود و بنابه گزارشی که بیانگر مخالفت خانواده او بوده، برخوردی که فاطمه در مقابل آنها انجام می‌دهد و می‌گوید: با هیچ کس جز آن کسی که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید، ازدواج نخواهم کرد - بیانگر این تسلیم است و بنا به گزارشی که فاطمه و خانواده‌اش مایل به این ازدواج نبودند، این نکته نباید نادیده گرفته شود که پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: خداوند در این ازدواج برای تو خیر قرار داده است. از آنجا که رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم عادی بود، به طوری که در امور روزمره به رأی و نظر خود عمل می‌کردند. زمانی که فاطمه برای مشورت نزد حضرت آمد؛ بدین معنا نبود که حتماً تسلیم نظر پیامبر صلی الله علیه و آله شود و حتی بنا به برخی گزارش‌ها، خانواده‌اش مخالفت خود را اعلام کردند. گرچه پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس آیه قرآن، نسبت به مسلمانان سزاوارتر از خودشان است (احزاب: ۶). به همین دلیل، فاطمه بعد از ازدواج با اسامه می‌گفت: همیشه غبطه می‌خورم از این که در ابتدا از ازدواج با اسامه کراهت داشتم.



ازدواج اجباری

از دیگر مسائلی که در جامعه صدر اسلام مشکل آفرین بوده و بنای خانواده را سست می‌کرد، ازدواج‌های اجباری بود. گرچه در گزارش‌های تاریخی این موارد زیاد به چشم نمی‌خورد، اما وجود همین گزارش‌های محدود، برای اثبات این مسئله کافی است؛ چون می‌توان احتمال داد که برخی از دختران با وجود مخالفت ابتدایی‌شان، زندگی خوبی را در کنار همسرشان ادامه می‌دادند و برخی نیز علی‌رغم نداشتن انگیزه برای زندگی، تحمل کرده و سکوت می‌کردند. این احتمال نیز وجود داشت که در آینده، وجود فرزندی برای این زنان آنها را نسبت به زندگی با مردی که از او کراهت دارند، دلگرم ساخته و دیگر به فکر خود نباشند. نکته دیگر اینکه انسان‌ها از نظر خصوصیات روحی و فکری مانند هم نیستند. برخی جرأت و جسارت مخالفت با خانواده و حتی عواقبی را که در سایه این مخالفت ممکن است برای او در خانواده و حتی جامعه مطرح شود، دارند.

خُنَسَاء دختر خدام - از جمله راویان پیامبر ﷺ و همسر ابولبابه صحابی معروف پیامبر ﷺ - (خویی، ۱۴۱۳، ج ۲۴، ص ۲۱۷)، از جمله زنانی بود که مخالفت خود را با ازدواج اجباری اعلام کرده، به حضور پیامبر ﷺ رسیده گفت: پدرم بدون اینکه نظر من برایش مهم باشد، مرا به عقد مردی درآورده و من راضی به این ازدواج نیستم. پیامبر ﷺ این ازدواج را رد کرده و باطل دانست. آن حضرت پدر او را ملزم کرده بود که تنها می‌تواند با مردی که او انتخاب کرده، ازدواج نماید.

این تعامل در آینده به عنوان ملاک و محوری برای ازدواج‌هایی این چنینی قرار گرفت، به طوری که از آن الگوگیری شد. زمانی که دختری از نوادگان جعفر ترسید پدرش او را به ازدواج شخصی درآورد و او از این بابت نگران و ناراحت بود، نزد دو



تن از شیوخ انصار رفت و این جریان را برای آنها بیان کرد؛ در پاسخش گفتند: نگران نباش. پیامبر ﷺ زمانی که پدر خنساء او را به عقد شخصی در آورد، این ازدواج را رد کرد؛ به این دلیل که خنساء راضی به این ازدواج نبود و از آن کراهت داشت.

اگر بپذیریم که خنساء قبلاً ازدواج کرده بود و همسرش را در جنگ از دست داده بود، می‌توان در این نحوه تعامل این مطلب را نیز توجه کرد که در جامعه زمان رسول خدا ﷺ، زنان بیوه بی سرپرست باقی نمانده، رسیدگی به وضع آنان، از جمله نگرانی‌های پیامبر ﷺ و سایر مسلمانان بود. پیامبر اکرم ﷺ به مسئله ازدواج زنان و رضایت آنان بسیار توجه داشت. به طوری که ازدواج خنساء را که بدون رضایت او انجام شده بود، رد کرد و باطل دانست.

از آنجا که هنوز برخی اعتقادات جاهلیت در مورد زنان به چشم می‌خورد، پیامبر ﷺ در تعامل خود با زنان، سعی در ریشه‌کن کردن آنها داشت، به طوری که برای زنان حق انتخاب همسر را قرارداد و اجازه داد تا بتوانند نسبت به آینده خود تصمیم بگیرند. این مسئله در سیره پیامبر ﷺ و تعاملش با زنان بسیار به چشم می‌خورد، به طوری که در رابطه با ازدواج دخترش حضرت زهرا (ع) نیز همین روش را داشت. هنگامی که حضرت علی (ع) برای خواستگاری حضرت زهرا (ع) نزد پیامبر ﷺ آمد، حضرت به او فرمود: یا علی (ع) قبل از توافراد دیگری نیز از دخترم خواستگاری کردند و من این مطلب را با دخترم در میان نهادم و کراهت را در چهره او دیدم. اما هنگامی که در مورد تو با زهرا (ع) سخن گفتم، او سکوت کرد و در چهره او کراهت را ندیدم (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج ۲۰، ص ۲۷۵).



۱. در کتب فقهی، در بحث اجازه ولی در ازدواج باکره، به روایتی استناد شده است، بدین مضمون که: دختری نزد رسول خدا ﷺ آمد و از پدرش شکایت کرد که بدون اینکه نظرم را بخواهد، مرا به عقد برادرزاده اش درآورده است. پیامبر ﷺ فرمود: خوب با او ازدواج کن. دختر گفت: چگونه همسر کسی شوم که او را دوست ندارم؟ حضرت فرمود: اگر او را دوست نداری، برو و با کسی ازدواج کن که او را دوست داشته باشی. دختر پاسخ داد: اتفاقاً او را دوست دارم و با کسی جز او ازدواج نخواهم کرد؛ اما چون پدرم بدون اینکه نظرم را بخواهد این کار را کرده عمداً آمدم تا از شما این جمله را بشنوم و به همه زنان اعلام کنم که از این پس، پدران حق ندارند برای ازدواج دختران شان تصمیم بگیرند این قدامه، بی تل، ج ۷، ص ۳۸۰).

گرچه این روایت در کتب فقهی مورد استناد قرار گرفته و برخی، آن را به دلیل اینکه از روایت، استقلال دختر در امر ازدواج و عدم نیاز به اذن ولی دانسته می شود، رد کرده اند، اما با نگاهی به تاریخ صدر اسلام و افکار جاهلیت، می توان گزارش فوق را بهتر تحلیل کرد. جامعه ای که زنان ارزش و جایگاهی نداشته و مردان برای خود همه گونه حقی نسبت به زن، دختر و خواهر خود قائل بودند و حتی برخی موارد، دختران را قبل از آن که دنیا بیایند به عقد دیگری در می آوردند.

در سفر حجة الوداع مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: یا رسول الله شکایتی دارم. در دوران جاهلیت، من و طارق بن مرقع، در یکی از جنگ ها شرکت کردیم. در میان جنگ، طارق به نیزه ای احتیاج پیدا کرد. فریاد زد هر کس نیزه ای به من برساند، پاداش خواهد گرفت. گفتم: چه پاداشی؟ قول داد: اولین دختری را که برایش متولد شود، برای من بزرگ کند. من نیزه خود را به او دادم. حالا متوجه شدم دختری بزرگ در خانه دارد. قولش را به او یادآور شدم، اما می گوید: باید مهریه



جدیدی برای دخترش قرار دهم. آیا حق با چه کسی است؟ پیامبر ﷺ هنگامی که دانست دختر بزرگ شده است، فرمود: حق نه با تو است و نه با طارق. دنبال کارت برو و دختر بیچاره را به حال خود بگذار. مطمئن باش با این ترتیب که گفتم، نه تو گناهکاری می شوی نه دوست طارق ابن سعد، بی تا، ج ۸، ص ۳۰۴؛ احمد، بی تا، ج ۶، ص ۳۶۶).

مورد دیگر نکاح شغار است (طوسی، ۱۳۸۷، الف، ج ۴، ص ۲۴۴)، که از جمله ازدواج های مرسوم در جاهلیت بود، این نمونه ها برای به تصویر کشیدن بسترو قوع گزارش ملاقات آن دختر با پیامبر ﷺ و اینکه چرا حضرت باید چنین تعاملی با وی داشته باشد، کافی است. پس نباید روایت فوق را دلیل برداشتن استقلال کامل دختران در امر ازدواج دانست، بلکه روایت در صدد ارائه الگو و مدلی درست در رابطه با ازدواج زنان است. پیامبر اکرم ﷺ، هرگز در صدد بیان این مطلب نیست که دختران بروند و با هر کسی که دلشان به او میل داشت، ازدواج کنند. بلکه تنها در صدد منع تحکم پدران و اختیار کامل داشتن آنان، در امر ازدواج دختران شان است و اینکه در ازدواج رضایت و نظر دختران شرط است.

نکته دیگر اینکه در جامعه آن زمان، دختران بسیاری بودند که ازدواج هایی این چنینی داشتند و به اجبار به عقد دیگری در آمده بودند؛ اما آنان چنین موضع و تعاملی از خود بروز ندادند و یا اگر هم بوده در تاریخ ذکر نشده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

پیامبر ﷺ از ابتدای ورود به مدینه و تشکیل حکومت، در تعاملات خود با زنان به دنبال توجه دادن مسلمانان به حقوق، جایگاه و ارزش های انسانی زنان بود و سعی و تلاش بسیار در جهت تثبیت مقام و جایگاه زنان داشت،



به طوری که آنان را در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه سهیم کرد. هجرت زنان، بیعت گرفتن از زنان، یادگیری و آموزش امور دینی، ازدواج همراه با میل و رغبت، اختصاص حقوقی چون: ارث، نفقه، مهریه، مسکن، لباس، اشتغال، استقلال مالی، بهترین گواه بر این ادعا است.

از سوی دیگر، زنان نیز در تعاملات خود با پیامبر ﷺ، به دنبال آگاهی و به دست آوردن حقوقی بودند که در جامعه جاهلی نادیده انگاشته شده و اسلام بر آن تأکید داشت. گرچه هجرت مسلمانان به مدینه و هم نشینی زنان مهاجر با انصار، زمینه تأثیر پذیری آنان از یکدیگر را فراهم نمود؛ زیرا بر اساس برخی گزارش های تاریخی، مردان قریش بر زنان خود غالب بودند. اما پس از هجرت به مدینه و هم نشینی زنان مهاجر با زنان مدینه از اخلاق و روحیات زنان مدینه، که غالباً بر مردان خود تسلط داشتند، تأثیر پذیرفتند، به گونه ای که اگر قبلاً مردان با زنان تندی می کردند، ناراحت نمی شدند؛ اما بعدها ناراحتی و مخالفت خود را نشان می دادند (طبری، بی تا، ج ۲۸، ص ۲۰۶؛ علامه طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۳۳۹). اما شاید نکته ای که راوی این گزارش به آن اشاره کرده، حقیقت داشته باشد؛ زیرا مردم مدینه و مکه از جهت فرهنگی، اخلاقی و... با هم تفاوت داشتند. اما توجه به این نکته مهم است که اگر زنان مهاجر رفتار و برخوردشان با همسران و به طور کلی مردان عوض شده بود، دلیل آن فقط هم نشینی با زنان مدینه نبود؛ بلکه تأثیر و نتیجه همین تعاملات پیامبر ﷺ با زنان بود که بدین گونه خود را نشان داد؛ زیرا در سایه تعاملات حضرت با زنان، آنان نسبت به حقوق خود آگاهی یافته و در صدد احیای آن برآمده و توانستند جایگاه حقوقی خود را تثبیت نمایند. به طوری که در برخی گزارش ها نیز به این مطلب اشاره شده است: «کُتِبَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ لَا نَعُدُّ النِّسَاءَ شَيْئًا فَلَمَّا جَاءَ الْإِسْلَامُ وَذَكَرُوهُنَّ اللَّهُ رَأَيْنَا لَهُنَّ بِذَلِكَ عَلَيْنَا حَقًّا»؛ ما در جاهلیت زنان را به حساب نمی آوردیم، زمانی که اسلام آمد و خداوند



در مورد آنان سخن گفت، ما دانستیم که زنان برگردن ما حقی دارند. در اینجا، توجه دادن زنان به اهمیت تقویت و تحکیم خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. اطاعت از رسول خدا ﷺ نیز در این تعاملات بسیار نمود داشت. آنچه در این میان اهمیت به سزایی داشت، اصول حاکم بر این تعاملات و تلاش برای پایبندی به عهد و پیمان‌ها بود. مهم‌ترین این اصول عبارتند از:

- رعایت حریم میان زنان و مردان؛
- اصل قرارگرفتن خانواده و رعایت قوانین حاکم بر آن؛ تمرکز زنان بر خانه‌داری و تربیت نسل سالم؛
- اکرام و احترام به شخصیت زن و حفظ عزت او؛
- تکافل اجتماعی و توجه به اقشار نیازمند جامعه؛
- شناسایی توانایی و استعداد های زنان در زمینه‌های مختلف؛
- متخصص‌پروری و تأکید بر کسب تخصص در مسائل مربوط به زنان؛
- تأکید بر مسائل مربوط به آموزش زنان خصوصاً مسائل دینی؛
- توجه به معنویت و اخلاق؛
- مشارکت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی زنان؛
- شرکت دادن زنان در امور اجرایی؛
- برخورد با زنان بزهکار؛
- توجه به نیازهای مادی و معنوی زنان؛
- نخبه‌پروری و شاخص قرار دادن برخی زنان؛
- فراهم نمودن شرایط حضور زنان در جامعه؛
- از بین بردن زمینه‌های سوء اخلاقی؛
- تأکید بر وجود اجتماعات خاص زنان؛
- توجه دادن زنان به رعایت اعتدال در همه امور زندگی؛

منابع

- القرآن الكريم؛ ترجمه آیه الله مکارم شیرازی.
- ۱- ابن اثیر (م. ۶۳۰)؛ أسد الغابه، بیروت- لبنان، دارالكتاب العربی، بی تا.
 - ۲- ابن حجر (۸۵۲)، فتح الباری، دارالمعرفة، چاپ دوم، بی تا.
 - ۳- ابن حجر (م. ۸۵۲)؛ تلخیص الحبیر، دارالفکر، بی جا، بی تا.
 - ۴- ابن حجر (م. ۸۵۲)؛ تهذیب التهذیب، بیروت- لبنان، دارالفکر، ۱۴۰۴
 - ۵- ابن حجر (م. ۸۵۲)، دارالمعرفة، چاپ دوم، بی تا.
 - ۶- ابن حزم (م. ۴۵۶)؛ المحلی، دارالفکر، بی تا.
 - ۷- ابن سعد (م. ۲۳۰)؛ الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.
 - ۸- ابن طاووس، الطرائف فی معرفة المذاهب، قم، بی تا، ۱۳۹۹.
 - ۹- ابن عبدالبر، الاستیعاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲.
 - ۱۰- ابن قدامه (۶۸۲)، الشرح الکبیر، بیروت- لبنان، دارالكتاب العربی، بی تا.
 - ۱۱- ابن قدامه (م. ۶۲۰)؛ المغنی، بیروت- لبنان، دارالکتب العربی، بی تا.
 - ۱۲- ابن کثیر (م. ۷۷۴)، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق سوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت- لبنان، دارالمعرفة، ۱۴۱۳-۱۹۹۲.
 - ابن منظور، (م. ۷۱۱)، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵.
 - ابن اثیر (م. ۸۵۲)؛ الاصابة، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
 - ۱۳- اچ ترنر، جاناتان، مفاهیم و کاربردهای جامعه شناسی، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیز یختیاری، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۷۸.
 - ۱۴- احمد (م. ۲۴۱)؛ مسند احمد، بیروت- لبنان، دارصادر، بی تا.





- ۱۵- احمد (۲۴۱)، مسند، بیروت-لبنان، دارصادر، بی تا.
- ۱۶- آية الله خامنه ای؛ اجوبة الاستفتاءات، دارالنبأ للنشر، ۱۴۱۵.
- ۱۷- باتومور، تی بی، جامعه شناسی، ترجمه حسن منصور و حسن حسینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰
- ۱۸- البحرانی (م. ۱۱۸۶)؛ الحدائق الناضرة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
- ۱۹- البخاری (۲۵۶)، صحیح، دارالفکر، ۱۴۰۱-۱۹۸۱.
- ۲۰- الحر العاملی (م. ۱۱۰۴)؛ وسائل الشیعه، تحقیق آل البيت (ع)، ج دوم، قم، ۱۴۱۴.
- ۲۱- الخویی، معجم رجال الحديث، (م. ۱۴۱۳)، چاپ الخامسة ۱۴۱۳ - ۱۹۹۲.
- ۲۲- الذهبي (م. ۷۴۸)؛ تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت لبنان، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷-۱۹۸۷.
- ۲۳- الذهبي (م. ۷۴۸)؛ سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعيب الزنوط، چاپ نهم، بیروت- لبنان، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳-۱۹۹۳.
- ۲۴- زیلعی (م. ۷۶۲)؛ تخریج الاحادیث والاثار، تحقیق عبدالله بن عبدالرحمن بن اسعد، ریاض، دار ابن خزيمة، ۱۴۱۴
- ۲۵- ساروخانی، باقر، درآمدی بردایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، ۱۳۸۰
- ۲۶- سید محسن امین، (م. ۱۳۷۱)، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، بیروت، دارالتعارف، بی تا.
- ۲۷- سید محسن، امین (م. ۱۳۷۱)؛ أعيان الشیعه، تحقیق حسن الامین، بیروت- لبنان، دارالتعارف، بی تا.
- ۲۸- الشافعی، (م. ۲۰۴)، کتاب الام، چاپ الثانية، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳.

- ۲۹ - الشوکانی (م. ۱۲۵۵)؛ نیل الاوطار، بیروت - لبنان، دار الجیا، ۱۹۷۳.
- ۳۰ - الشیخ الصدوق، (م/ ۳۸۱)، الخصال، تصحیح علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- ۳۱ - الصدوق، المقنع، لجنة التحقيق التابعة لمؤسسة الإمام الهادی (ع)، مؤسسة الإمام الهادی (ع)، ۱۴۱۵.
- ۳۲ - الصفدی (م. ۷۶۴)؛ الوافی بالوفیات، تحقیق احمد الأرناؤوط، بیروت - لبنان، داراحیاء التراث، ۱۴۲۰-۲۰۰۰.
- ۳۳ - الطباطبائی (م. ۱۴۱۲)؛ المیزان، قم، جماعة المدرسین، بی تا.
- ۳۴ - الطبرانی (م. ۳۶۰)؛ المعجم الكبير، تحقیق حمدي عبدالمجید، چاپ دوم، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۳۵ - الطبرسی، (م. ۵۴۸)، مکارم الاخلاق، چاپ السادسة، قم، منشورات الشریف الرضی ۱۳۹۲، ۱۹۷۲.
- ۳۶ - الطوسی، (م. ۴۶۰)، المبسوط، تحقیق السيد محمد تقی الکشفی، تهران، المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية، ۱۳۸۷.
- ۳۷ - علامه حلی (م. ۷۲۶)؛ تذکرة الفقهاء، منشورات المكتبة المرتضوية، بی تا.
- ۳۸ - علامه حلی (م. ۷۲۶)؛ نهاية الاحکام، تحقیق سيد مهدی رجایی، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰.
- ۳۹ - العینی (م. ۸۵۵)؛ عمدة القاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴۰ - فاضل الهندی ((م. ۱۱۳۷)؛ کشف اللثام، تحقیق مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶.
- ۴۱ - الكلینی (م. ۳۲۹)؛ الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳.
- ۴۲ - اللیثی الواسطی، علی بن محمد، (م. قرن ۶)، علی بن محمد، تحقیق الحسینی البیرجندی، عیون الحکم و المواعظ، دار الحديث، بی تا.

- ٤٣- متقی الهندی (م. ٩٧٥)؛ کنزالعمال، تحقیق بکری حیانی، بیروت - لبنان، مؤسسه الرساله، ١٤٠٩-١٩٨٩ م
- ٤٤- المجلسی (م. ١١١١)؛ بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت - لبنان، مؤسسه الوفاء، ١٩٨٣-١٤٠٣.
- ٤٥- المحقق البحرانی (١١٨٦)، الحدائق الناضرة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، بی تا.
- ٤٦- المحقق الحلی (م. ٦٧٦)؛ المعتمد، قم، مؤسسه الرساله، ١٣٦٤.
- ٤٧- المقریزی (م. ٨٤٥)؛ امتاع الاسماع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٠-١٩٩٩ م.
- ٤٨- مکی العاملی (م. ٧٨٦)؛ ذکر الشیعه فی احکام الشریعه، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، ١٤١٩.
- ٤٩- میرزا النوری (م. ١٣٢٠)؛ المستدرک الوسائل، تحقیق مؤسسه آل البيت (ع)، بیروت - لبنان، ١٤٠٨-١٩٨٧.
- ٥٠- النسائی (م. ٣٠٣)؛ السنن، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤١١-١٩٩١.
- ٥١- النوری الطبرسی، (م. ١٣٢٠)، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤٠٨-١٩٨٨.
- ٥٢- الواحدی، (م. ٤٦٨)، اسباب النزول، قاهره، مؤسسه الحلبي وشركاه للنشر والتوزيع - ١٣٨٨ - ١٩٦٨ م.
- ٥٣- الواقدي؛ المغازی، تحقیق مارسدن جونس، چاپ سوم، الاعلامی، بیروت، ١٤٠٩.